

شیوه‌های برخورد با نوجوانان

محمدعلی سادات

تهیه و تدوین: عبدالرضا ضرابی



مقدمه

انسانیت به بار نشیند.

نوجوانان دلی پاک و روحی پرشور دارند. آنان در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوران زندگی خود به سر می‌برند و نیازمند هدایت، حمایت و همدلی‌اند. فرزندان ما در دوران زندگی خود مراحل گوناگونی را طی می‌کنند و در هر مرحله، نیازهای تربیتی خاصی دارند. بدون آشنایی با این مراحل تربیتی و برخورداری از مهارت‌های لازم، چگونه می‌توانیم فرزندان خود را تربیت کنیم؟ شاید برخی از پدران و مادران گمان می‌کنند که تنها فراهم کردن شرایط مادی و امکانات تحصیلی فرزندان، وظیفه آن‌هاست و حال آن‌که وظیفه پدر و مادر بسیار فراتر از این‌هاست. خانواده کانونی پذیرای نسل آینده است. در این کانون، نهال ارزش‌هایی که بذر آن در لحظه آفرینش در ضمیر آدمیان پاشیده شده است، باید رشد و نمو کند و درخت

از این رو، هیچ یک از نهادهای اجتماعی نمی‌تواند نقشی را که خانواده در ساختار فکری، روحی و اخلاقی انسان دارد، ایفا کند. بسیاری از مشکلات اخلاقی و رفتاری نوجوانان ریشه در برخورد نامناسب پدران، مادران و مربیان دارد. تجربه نشان می‌دهد در بیش‌تر موارد که نوجوانان به خانواده و مربی شایسته دسترسی دارند، از زندگی سالم و موفق برخوردارند. این نشان می‌دهد که نوجوانان به خوبی تربیت پذیرند و اگر نابسامانی‌هایی در اخلاق و رفتار برخی از آنان مشاهده می‌شود، ناشی از فقدان تربیت صحیح است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «به شما درباره نوجوانان و جوانان سفارش می‌کنم؛ زیرا آن‌ها دارای قلبی رقیق‌تر و فضیلت‌پذیرترند.» امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دل نوجوان مانند زمین خالی از گناه و درخت است که هر

دوران کودکی به دوران نوجوانی و بزرگسالی است. در این دوره، آرامش دوران کودکی، که ناشی از بی‌خبری کودک از بسیاری مسائل زندگی است، دیگر در میان نیست و پیدایش رشد فکری و بیدار شدن انگیزه‌های نیرومند فطری در زمینه روحی نوجوان، عرصه را بر او تنگ کرده است.

با اندکی دقت، می‌توان دریافت که درون نوجوان چه طوفانی به پاست؛ از یک سو، انگیزه‌های غریزی و عاطفی هر لحظه او را به

سویی می‌کشد و تعادل روانی او را بر هم می‌زند و از سوی دیگر، انواع تردیدها و دودلی‌ها او را با بلا تکلیفی دردآوری روبه‌رو می‌سازد. او برای اولین بار، چنین وضعی را تجربه می‌کند و توانایی لازم را برای مقابله با این کشمکش درونی در خود نمی‌یابد. علاوه بر این، او نسبت به آینده خود نگران است و نمی‌داند چه سرنوشتی در پیش رو دارد. همین نگرانی از آینده نیز بر فشار درونی او می‌افزاید.

در این دوران، کشمکش جدی بین تمایلات نفسانی از یک سو و گرایش‌های متعالی و روحانی از سوی دیگر، نوجوان در می‌گیرد. او گاه به سمت هوس‌ها و نفسانیات کشیده می‌شود و گاه به سوی احساس‌های معنوی میل می‌کند و لذت معنوی را به ذایقه دل پاک خویش می‌چشد. زمانی که هوس او را مغلوب می‌کند، پس از فروکش کردن آن،



بذری در آن افشانده شود، می‌پذیرد و در خود می‌پرورد. پس فرزند عزیزم، من در آغاز جوانی‌ات به ادب و تربیت تو پرداختم، پیش از آن‌که دلت سخت گردد و از پذیرش چیزهای خوب سر باز زنی. «(نهج البلاغه، نامه ۳۱). از این جا، می‌توان به نقش حساس و خطیری که خانواده‌ها و مربیان در هدایت و تربیت نوجوانان دارند پی برد.

نوجوانی؛ حساس‌ترین دوران زندگی

دشوارترین دوران حیات انسان از حیث تربیتی، دوران نوجوانی است. این دوره، که حدود سنی ۱۲ - ۱۸ سال را دربر می‌گیرد، منطبق با دوره راهنمایی و دبیرستان است. بیش‌ترین مشکلات تربیتی در این دوره پیش می‌آید و اغلب در همین دوره است که فرزندان یا از دست می‌روند و یا در مسیر سعادت گام می‌نهند. این دوره مرحله انتقال از

دستخوش اندوه و پشیمانی می شود و احساس گناه می کند و خویشتن را سرزنش می نماید و این کار مدام تکرار می شود؛ زیرا وجدان اخلاقی نوجوان زنده و فعال است و نمی تواند در برابر کج روی ها بی تفاوت باشد. این موارد تنها شمه ای از خصوصیات این دوره است و نشان می دهد که نوجوان در این دوره تاجچه انداز تحت فشار است. روان شناسان از این دوره به دوران «طوفان و فشار»، «انقلاب و سرکشی» و امثال آن یاد کرده اند.

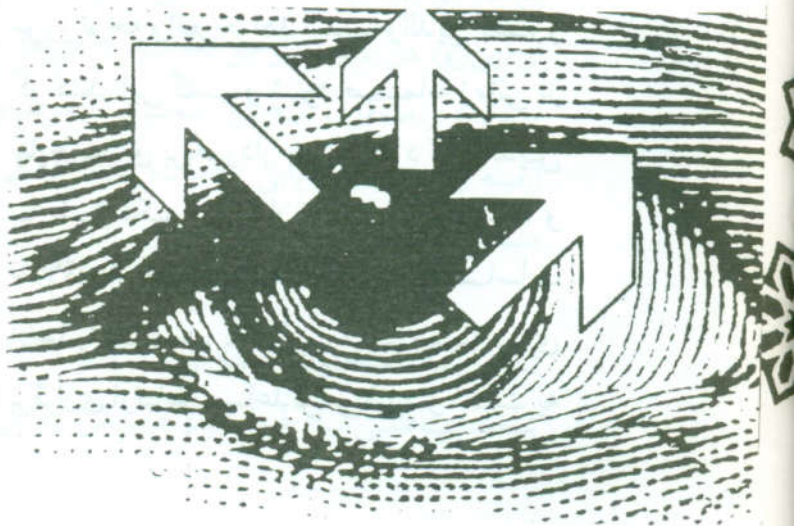
ضروری است همه کسانی که با نوجوانان سر و کار دارند، به ویژه پدران و مادران، با عوالم درونی نوجوانان آشنایی پیدا کنند تا بتوانند به کمک آن ها بشتابند. مهم ترین مسأله در این مورد آشنایی با شیوه های برخورد با نوجوانان است.

ارتباط با نوجوانان

باید به این نکته توجه داشت که دوره نوجوانی دوره کاهش اقتدار خانواده است. حاکمیت و اقتداری که خانواده در دوره کودکی بر فرزندان دارد و اطاعت و

حرف شنوی کودکان از خانواده، در دوره نوجوانی به تدریج رنگ می بازد. از این رو، پدران و مادران نباید انتظار داشته باشند که همان شیوه های برخورد که در دوره کودکی با فرزندان خود به کار می بستند، در این دوره نیز موفق باشد. بنابراین، برای برقراری ارتباط با آن ها باید شیوه های متناسب این دوران را انتخاب کنند. اگر پدر و مادر نتوانند با فرزند نوجوان خود رابطه فکری و عاطفی برقرار کنند، به طور حتم، نخواهند توانست در تربیت و هدایت او توفیقی حاصل نمایند. پس از برقراری این ارتباط است که پدر و مادر بهتر می توانند نقش ارشادی و تربیتی خود را ایفا نمایند. اما اگر چنین ارتباطی برقرار نشود، تلاش های آن ها اغلب به نتیجه دلخواه نمی رسد و گاه نتیجه معکوس می دهد.

بزرگ ترین حامی و پناهگاه نوجوانان در این دوره بحرانی، خانواده است. اگر خانواده نتواند این وظیفه خود را به درستی انجام دهد، فرزندان از حوزه جاذبه خانواده خارج می شوند و در معرض جذب و انجذاب عوامل محیطی قرار می گیرند و چه بسا، به سادگی راه انحراف در پیش گیرند. اما زمانی که فرزندان با پیوندهای محکم به کانون خانوادگی تعلق دارند و جذب محیط گرم و صمیمانه خانواده خویش اند، از بسیاری از آن ها در امان می مانند.





رابطه صمیمانه با نوجوان

در روابط انسانی، دو نوع ارتباط وجود دارد: ارتباط رسمی و ارتباط صمیمی. ارتباط رسمی هرچند باادب و احترام ظاهری همراه است، اما خشک و بی‌روح می‌باشد و عاری از صفا؛ مانند روابط اداری محض بین رئیس و مرئوس که در عین محترمانه بودن، معمولاً خشک و بی‌روح است، مگر این‌که علاوه بر رابطه اداری محض، از ویژگی اخلاقی و کمالات انسانی برخوردار شود.

نوع دیگر - یعنی، ارتباط صمیمی - بر اساس محبت قلبی، تفاهم و اعتماد متقابل است. پیدایش چنین رابطه‌ای در گرو شرایطی است که صدق و صفا و یک‌رنگی، درک متقابل و علاقه واقعی از مهم‌ترین این شرایط است. ما با کسانی که روابط صمیمانه داریم به راحتی و بدون واهمه، ارتباط برقرار می‌کنیم و از معاشرت با آن‌ها لذت می‌بریم. از نشانه‌های رابطه صمیمانه این است که ما از این‌که کوچک‌ترین عوامل در طرف مقابل، سوء تفاهمی به وجود آورد، ترسی در دل نداریم و به همین دلیل، آزادانه و با خیال راحت می‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم.

اگر والدین بخواهند فرزندان آن‌ها در کنارشان باقی بمانند و مسائل ساده باعث قطع ارتباط روحی فرزندان با آن‌ها نشود، باید بتوانند رابطه‌ای صمیمانه با فرزندان خود داشته باشند. رابطه‌ای که مبتنی بر ترس یا

احترام خشک و آداب بی‌روح ظاهری باشد، چندان نمی‌پاید. علاوه بر این، وجود رابطه صمیمانه میان والدین و فرزندان، محیط خانه را به پناه‌گاهی عاطفی و امن برای فرزندان تبدیل می‌کند و آن‌ها می‌توانند در آن آرام گیرند، احساس امنیت کنند و به دنبال پناهگاه‌های دیگر نگردند. پناه بردن به دوستی‌های خطرناک یا ارتباط با جنس مخالف، به ویژه در مورد دختران، بیش‌تر ناشی از نبود روابط صمیمانه میان والدین و فرزندان است.

وجود روابط صمیمانه میان فرزندان و والدین سبب می‌شود که آن‌ها رازهایشان را پیش از هر کس، با والدین خود در میان بگذارند و از نظرهای ارشادی آن‌ها استفاده کنند. بدین ترتیب، والدین به عنوان راهنمایانی صمیمی و مشاورانی دلسوز و مورد اعتماد، می‌توانند نقشی مهم در زندگی فرزندان خود داشته باشند.

روش برخورد با فرزندان باید چنان باشد که آن‌ها با اطمینان از این‌که نظراتشان مورد توجه واقع خواهد شد، با والدین گفت و گو کنند. این گفت و شنود صمیمانه زمانی از نتایج بهتری برخوردار خواهد بود که والدین با طرز فکر فرزندان خود آشنا باشند و علاقه‌ها، حساسیت‌ها، افکار و احساسات آن‌ها را بشناسند. به این ترتیب، زمینه برای برقراری ارتباط، مساعدتر می‌شود و نسبت به

هم احساس بیگانگی نمی‌کنند.

انگیزه استقلال طلبی

محوری‌ترین انگیزش در دوران نوجوانی کوشش برای به دست آوردن استقلال است. این نیروی فطری قوی‌ترین و ریشه‌دارترین گرایشی است که در همه نوجوانان به وجود می‌آید. ظهور و ریشه این انگیزه در نوجوان، حالات و ویژگی‌هایی به همراه دارد که از مهم‌ترین آن‌ها این است که نوجوان انتظار دارد او را به دیده کودک نگاه نکنند و به شخصیت، فکر و عمل او بها دهند.

اگر نوجوان ببیند که در او به دیده یک انسان مستقل و بالغ نمی‌نگرند ممکن است برای ابراز وجود و نشان دادن استقلال خود، دست به کارهای نامطلوب بزند تا به نحوی دیگران را متوجه خود سازد. این کار ممکن است به صورت سرکشی یا زیر پا گذاشتن ارزش‌های مورد قبول خانواده و جامعه و یا احساس سرخوردگی و گوشه‌گیری و در نتیجه، موجب ایجاد عقده روانی در وی شود. از این رو، در تربیت نوجوانان باید آزادی‌های مشروع و معقول آن‌ها را محترم شمردیم و زمینه را برای دستیابی آن‌ها به یک زندگی مستقل فراهم کنیم.

احترام به شخصیت نوجوان

شخصیت‌طلبی نیاز فطری و ویژگی روانی

انسان است و در دوران نوجوانی، رشد بیش‌تری پیدا می‌کند. نوجوان دوست دارد شخصیتش مورد توجه و احترام اطرافیان قرار گیرد و به همین سبب، به صورت‌های گوناگون به ابراز شخصیت و نشان دادن خود می‌پردازد.

احساس شخصیت اخلاقی در انسان مانند سدّی درونی مانع دست‌زدن به کارهای خلاف می‌شود و انسان را از درون مهار می‌کند و از زشتی‌ها باز می‌دارد. این احساس سبب می‌شود آدمی به سبب احساس بزرگی و کرامت در خود، جرأت رفتن به سوی زشتی‌ها را نداشته باشد و اگر روزی دست به خطا آلود، آن را از دید دیگران پنهان کند تا در نظر آنان خوار و بی‌مقدار نشود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی برای خود عزّت و کرامت قایل شود، هوس‌ها و تمایلات شهوانی در نظرش کوچک می‌شوند.» بنابراین، باید از این ویژگی روانی در تربیت نوجوانان بیش‌ترین استفاده را کرد. باید دانست که اهانت، تحقیر، به کار بردن الفاظ طعن‌آمیز و نیش‌دار، سرکوفت زدن، ضعف‌ها و شکست‌ها را به رخ کشیدن و زیاده‌روی در تذکر عواملی هستند که به از میان رفتن احساس شخصیت در نوجوان می‌انجامد.

برای آموزش فرزندان و اصلاح عیب‌های آن‌ها، بهتر است در درجه اول، از روش‌های

غیر مستقیم استفاده کرد و آن‌ها رابه طور مستقیم مورد خطاب قرار ندهیم. این روش امتیازاتی دارد که روش مستقیم، فاقد آن‌هاست. در روش غیر مستقیم، مخاطب احساس حقارت نمی‌کند و پیام را بدون مقاومت دریافت می‌کند. البته گاه لازم می‌شود که به طور مستقیم نیز مطلبی را یادآوری کنیم یا آموزش دهیم؛ مثلاً، با فرزند خود گفت و گو کنیم و او را از عواقب خطایش آگاه کنیم. در این صورت، بهتر است این کار آشکار نباشد تا شخصیت او نزد دیگران خرد نشود.

مشورت با فرزندان

یکی از عواملی که به نوجوانان شخصیت می‌دهد، مشورت با آن‌ها درباره مسائل است. این کار سبب می‌شود که آن‌ها احساس کنند در خانواده به حساب می‌آیند و به نظرشان توجه می‌شود. نتیجه مشورت با

فرزندان این است که والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گرفتن را به فرزندان خود می‌آموزند. تقویت قوه تصمیم‌گیری برای زندگی آینده آن‌ها بسیار لازم است.

گفت و گوهای صمیمانه با فرزندان، مشورت و هم‌فکری با آن‌ها و به حساب آوردن آنان در اداره خانواده بسیاری از مشکلات موجود در روابط والدین و فرزندان را از میان برمی‌دارد و در ایجاد جو تفاهم و همکاری در خانواده بسیار مؤثر است. پیامبر اسلام ﷺ با وجود این‌که در مقام نبوت بود، با مردم و یاران خود مشورت می‌کرد و گاه به ابوذر می‌فرمود: «ای ابوذر، مرا نصیحت کن.» (همان)

این‌گونه برخوردهای پیامبر ﷺ سبب می‌شد که اطرافیان در برابر پیامبر ﷺ خود را نبازند و رأی و نظرشان را آزادانه اظهار کنند.

قاطعیت در تربیت

در محیط خانواده، به همان اندازه که مهر و صفا لازم و حیاتی است، وجود قاطعیت، جدیت و مدیریت نیز ضروری است و اگر اصولی چون محبت، صمیمیت و تکریم شخصیت همگام با این اصل نباشد، نتیجه لازم از آن‌ها گرفته نمی‌شود.

با توجه به ویژگی‌های فطری مرد، پدر نقش مدیریت و مسئولیت اداره خانواده را بر



مشاوره شغلی از دیدگاه اسلام

محمدرضا مطهری

در راهنمایی و مشاوره شغلی، مشاور باید با در نظر گرفتن استعدادها و خصوصیات فردی مراجعه کننده، ویژگی های شغل مورد نظر و امکانات جامعه، فرد را در انتخاب شغل مناسب، یاری رساند. در این جا، به برخی از نکاتی که در مشاوره شغلی باید مورد توجه قرار گیرد، اشاره می شود:

۱- انتخاب شغل با توجه به استعداد و علایق مردم از نظر ساختمان طبیعی و صفات موروثی با یکدیگر برابر نیستند. همان گونه که قیافه و دیگر صفات ظاهری افراد با هم فرق دارد، استعدادهای معنوی و قابلیت های روحی آنان نیز متفاوت است. بر این اساس، شغل خوب و شایسته برای هر کس، شغلی است که با ساختمان طبیعی او هماهنگ و

عهده دارد. او باید خصوصیات لازم را برای مدیریت خانواده داشته باشد که یکی از مهم ترین آنها، داشتن قاطعیت است. البته مادر نیز باید از این ویژگی برخوردار باشد تا بتواند نقش تربیتی خود را با قدرت ایفا کند.

اگر فرزندان این ویژگی را در والدین، به ویژه در پدر، سراغ نداشته باشند، از او حساب نمی برند و او را جدی نمی شمارند. در نتیجه، افرادی خودسر و گستاخ بار می آیند، در صورتی که لازمه تربیت این است که در مواردی، والدین با قاطعیت در برابر خلاف یا خیره سری های فرزند بایستند و او را از آن بازدارند. البته قاطعیت غیر از خشونت است و نباید این دو را با هم اشتباه کرد. خشونت بی جا نوعی ضعف روحی و اخلاقی است؛ پدری که نمی تواند با به کار بردن روش های صحیح تربیتی، فرزندان خود را از خلاف و خطا باز دارد، از همان ابتدا به تنبیه و شدت عمل متوسل می شود، حال آن که تنبیه آخرین وسیله ای است که باید از آن استفاده کرد.

به همان اندازه که خشونت ناشی از ضعف روحی و اخلاقی است، قاطعیت، جدیت و داشتن قدرت تصمیم گیری ناشی از قدرت روحی و امتیازات اخلاقی است.

از این رو، در عین حال که فرزندان باید روابط صمیمانه و آمیخته به مهر و محبت با پدر و مادر خود داشته باشند، لازم است تا حدی نیز از آنها حساب ببرند.